

بررسی واژه خواب در مثنوی از دیدگاه معناشناسی

بیتا رضائی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور b.rezaeipnu@yahoo.com

چکیده

دریافت مفاهیم و درک زیبایی‌های یک اثر در گرو فهم معانی و اشارات آن اثر ادبی است، از طرفی اگر این معانی به صورت دقیق و با توجه به تضادها و ترادف‌های واژگانی صورت گیرد شناخت معنا و مفهوم، با توجه به کلیت متن، بسیار ساده‌تر خواهد بود. خواب یکی از نیازهای ضروری بشر است، وجود این عنصر، می‌تواند موجبات آرامش و راحتی او را فراهم آورد و یا باعث غم و رنج او گردد. اگر بخواهیم این واژه را در مثنوی از دیدگاه معناشناسی بررسی کنیم باید بگوییم، حرکت سیال ذهن مولانا باعث شده واژه‌هایی درخور و مناسب را به کار ببرد و در ساختار کلی، هر موضوع، عنوان را جلوه و جمالی خاص ببخشد و ذهن و روح مخاطب را با تمام زوایای ذهن و اندیشه خود همراه می‌سازد. مقاله حاضر تلاش می‌کند با جستجوی مضامین گوناگون خواب، در شعرمولوی به کشف دیدگاه او در مورد خواب، چه از نظر واژگانی و چه از نظر کلیت متن، دست یابد. از این رو، بر آن است تا ابتدا به طرح موضوع واژه خواب در مثنوی بپردازد، سپس پدیده خواب را در تقابل با واژه‌های دیگر مورد بررسی قرار دهد. **کلیدواژه:** مثنوی، خواب و رؤیا، معناشناسی

۱- مقدمه

واژه خواب در زبان فارسی با واژه‌هایی چون رؤیا، غفلت، مستی، بی‌خبری و ناآگاهی همراه است و در عربی با نوم و رقود برابری می‌کند. این واژه کاربردهایی از نظر اجتماعی، روان‌شناسی و عرفان دارد، اما گستره بحث ما در این مقاله محدود به ادبیات (شعر) می‌شود که به انواع کاربردهای آن با توجه به رویکردهای معنایی در شعر مولانا در مثنوی پرداخته خواهد شد. معمولاً این واژه یادآور آرامش روحی و روانی است اما این عنوان در مثنوی دارای معانی و مفاهیم دیگری نیز هست. سفر اجتناب‌ناپذیر انسان به عالم خواب، حقیقتی است که روح او دور از جسم خاکی به عالمی غیر از عالم تعینات می‌رود. هرچند خواب، در معنای عام به معنی خارج شدن حواس ظاهری از حالت عادی است اما همین خواب حسی نیز، خود دنیایی در پی دارد که هر کس با ورود به آن، به خودی خود به حقایقی دست می‌یابد که گاه در عالم بیداری قابل بیان نیست و یا فراموش می‌شود. خواب می‌تواند در شکل اجتماعی خود به معنای خواب حسی و یا در معنای دیگر، هم چون غفلت، بی‌خبری و مستی و گاه به صورت تناقض‌نمایی به معنای آگاهی و بیداری باشد که اشکال مختلف آن در مثنوی دیده می‌شود. به تعبیر مولوی، بودن انسان در جهان، مستی آور است، مستی، خود رنج آور است. تنها کسی می‌تواند از درد و رنج خود بکاهد که از مستی خود بکاهد. از نظر مولوی «غفلت از واقعیت مهم‌ترین بلای مستی است.» (گرجی: ۱۳۸۸، ۴۴).

۲- پیشینه تحقیق

رساله و مقاله‌هایی در مورد خواب و رؤیا نگاشته شده است که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- تجلی خواب عارفان در مثنوی
 - بررسی تطبیقی خواب و رؤیا در اندیشه‌های قرآنی و مثنوی مولانا
 - انواع خواب و رؤیا در مثنوی
 - تحلیل روان‌شناختی خواب و رؤیا در مثنوی و تطبیق آن با مکتب سوررئالیسم
 - توصیف و تبیین خواب و رؤیا در متون صوفیه با تأکید بر مثنوی
 - بررسی ارتباط خواب و مرگ عارفانه در مثنوی
 - خواب و رؤیا در مثنوی مولانا از منظر روان‌شناسی
- در آثار ذکر شده، رؤیا و خواب از دیدگاه قرآن، حدیث، روان‌شناسی، و عرفان مورد بررسی قرار گرفته است.



اهمیت خواب و رؤیا از دیدگاه مولانا تا جایی است که در مثنوی برای آن انواع و کارکردهایی را ذکر کرده است و با تأثیرپذیری از آیات قرآنی و تعالیم اسلامی و عرفانی، به شکل‌های مختلف به این موضوع پرداخته است. او گاهی خواب را برتر از بیداری می‌داند و گاه رؤیا را نتیجه انعکاس اشتغالات ذهنی بشر می‌داند که لایه‌های پنهانی وجود او را آشکار می‌کند. از این رو می‌توان به این نکته اشاره کرد که مباحث روان‌شناختی مولانا در باب خواب و رؤیا از جمله مواردی است که زمینه‌ساز انجام تحقیقات است. بررسی این جستار بر اساس معناشناسی و تا حدی بر گرفته از کتاب مفاهیم اخلاقی - دینی ایزوتسو است، البته در اثنای کار، مواردی یافت شد که در نهایت به آن‌ها هم اشاره شده است. روش کار به صورت توصیفی - تحلیلی است که شش دفتر مثنوی حوزه انجام این پژوهش است.

۱- خواب

معانی متعددی برای واژه خواب برشمرده‌اند: حالتی توأم با آسایش و آرامش که بر اثر از کار باز ماندن حواس ظاهر در انسان و حیوان پدید آید، وجه مشترک خواب در معانی نوم، یقظه، بیداری و غفلت جلوه می‌نماید (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۴۴۵) خواب خرگوش: غفلت، تغافل، فراموشی (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۴۴۶)

۱-۱- مفاهیم خواب

۱-۱-۱- خواب به عنوان نشانه

- نشانه‌ای از مرگ

«خواب برادر مرگ است...» (رک، فروزانفر: ۱۳۷۶، ۲۳)

اسب جانها را کند عاری ز زین

سر النوم اخوالموت است این (۴۰۰/۱)

نوم ما چون شد اخ الموت ای فلان

زین برادر آن برادر را بدان (۳۰۶۲/۴)

۱-۱-۲- خواب با آرامش همراه است

وقت غارت خواب ناید خلق را

تا بنرباید کسی زو دلق را (۴۰۹۹/۵)

خواب چون درمی‌رمد از بیم دلق

خواب نسیان کی بود با بیم حلق (۴۱۰۰/۵)

خواب خرگوش و سگ اندر پی خطاست

خواب خود در چشم ترسنده کجاست (۲۲۳۷/۱)

۱-۱-۳- تأثیر خیر و شر خواب در بیداری

هرچه تو در خواب بینی نیک و بد

روز محشر یک به یک پیدا شود (۳۶۵۷/۴)

چون شود بیدار از خواب او سحر

باز آید سوی او آن خیر و شر (۱۷۸۳/۵)

۱-۱-۴- غیر واقعی و زودگذر بودن خواب

این جهان خواب است اندر ظن مایست

گر رود در خواب دستی باک نیست (۱۷۲۹/۳)

چون برفت آن خواب و شد بیدار زود

دید کان لعبت به بیداری نبود (۳۸۶۲/۵)

مملکت کان می نماید جاودان

ای دلت خفته تو آن را خواب دان (۳۹۲۷/۵)

۵-۱-۱- خواب، نشان از عالم دیگر دارد

گر فراموشم شدست آن وقت و حال

یادگارم هست وقت ارتحال (۲۲۱/۶)

شیر آن ایام ماضی های خود

می چشم از دایه خواب ای صمد (۲۲۳/۶)

۶-۱-۱- خواب، مساوی است با حفظ عزت

مثل اصحاب کهف

یقضه شان مصروف دقیانوس بود

خوابشان سرمایه ناموس بود (۳۸/۳)

۲-۱- حوزه معنایی خواب

۱-۲-۱- خواب در معنای خواب

که خواب حسی را در بر می گیرد، خواب و خور از لوازم بشری است:

او ندارد خواب و خور چون آفتاب

روح ها را می کند بی خورد و خواب (۵۷۸/۶)

هر شبی تدبیر و فرهنگم به خواب

همچو کشتی غرقه می گردد ز آب (۲۲۹۸/۶)

گر ببارد شب نبیند هیچ کس

که بود در خواب هر نفس و نفس (۲۷۲۴/۶)

۲-۲-۱- خواب در معنای بیداری

معمولا انسان در خواب به آرزوهای دست نیافتنی می رسد، گویا باورش نمی شود که به مقصود رسیده، بیدار است ولی انگار خواب می بیند.

خواب بیداری است چون با دانش است

وای بیداری که با نادان نشست (۳۹/۲)

خواب می بینم ولی در خواب نه

مدعی هستم ولی کذاب نه (۴۰۶۶/۶)

۳-۲-۱- خواب در معنای مستی و بی خبری

بودمی آگه زمنازل های جان

وقت خواب و بیخشی و امتحان (۲۳۲۶/۶)

۴-۲-۱- خواب در معنای گمان باطل

چون تو خفاشان بسی بینند خواب

کین جهان ماند یتیم از آفتاب (۲۰۸۳/۶)

۵-۲-۱- خواب در معنای غفلت

بیشتر در مورد دنیا و غرق شدن در احوال دنیوی است:

خواب مرده لقمه مرده یار شد

خواجه خفت و دزد شب بر کار شد (۳۶۹۳/۱)

توبه را بار دگر سیلاب برد

فرصت آمد پاسبان را خواب برد (۹۴۲/۶)

۱-۲-۶- خواب، هم در معنای خواب حسی و هم در معنای غفلت و بی خبری آمده است، بی خواب نیز به معنی انسان آگاه است:

خواب را بگذار امشب ای پدر

یک شبی بر کوی بی خوابان گذر

۱-۲-۷- خواب در معنای مرگ

وقت خواب و مرگ از وی می رود

وقت بیداری قرینش می شود (۳۶۸۹/۴)

چغز جان در آب خواب بیهشی

رسته از موش تن آید در خوشی (۲۷۳۶/۶)

۱-۲-۸- خواب و بیداری در معنای مرگ و محشر

هست ما را خواب و بیداری ما

بر نشان مرگ و محشر دو گوا (۱۷۸۷/۵)

در این بیت خواب، در مفهوم غفلت و بی خبری و مرگ آمده است:

پس عزا بر خود کنید ای خفتگان

زانکه بدمرگیست این خواب گران (۷۹۶/۶)

۱-۲-۹- تناسب خواب و خیال

آن خیالی که شه اندر خواب دید

در رخ مهمان همی آمدیدید (۷۳/۱)

۱-۳- انواع صاحبان خواب

این نوع، در مقاله «انواع خواب و رویا در مثنوی» تحت عنوان «خواب های حکایت گونه در مثنوی» به صورت ذکر نام حکایت ها آورده شده است. (رک، پارسا و واهیم: ۱۳۸۸، ۴۲)

۱-۳-۱- خواب اولیا

اولیا را خواب ملک است ای فلان

همچو آن اصحاب کهف اندر جهان (۳۵۵۳/۳)

۱-۳-۲- عرفا

حال عارف این بود بی خواب هم

گفت ایزد هم رقود زین مرم (۳۹۲/۱)

زین بد ابراهیم ادهم دیده خواب

بسط هندستان دل را بی حجاب (۳۰۷۸/۴)

خواب خود را چون نداند مرد خیر

کو بود واقف ز سر خواب غیر (۱۹۹۶/۵)

مرد خفته روح او چون آفتاب

در فلک تابان و تن در جامه خواب (۳۳۰۸/۶)

۳-۳-۱- پیامبران

آگاهی از خواب نیازمند علم الهی است:

همچو یوسف خواب این زندانیان

هست تعبیرش به پیش او عیان (۱۹۹۵/۵)

آن محمد خفته و تکیه زده

آمده سر گرد او گردان شده (۴۵۳۱/۳)

۴-۳-۱- پادشاهان

آن عزیز مصر می دیدی به خواب

چونک چشم غیب را شد فتح باب (۹۳۲/۵)

۵-۳-۱- عالمان

«خواب عالم، عبادت و نفس کشیدنش تسبیح است» (رک، فروزانفر: ۱۳۷۶، ۱۵۶)

خواب بیداری است چون با دانش است

وای بیداری که با نادان نشست (۳۹/۲)

نوم عالم از عبادت به بود

آنچنان علمی که مستنبه بود (۳۸۷۸/۶)

۶-۳-۱- انسان های احمق

خواب احمق لایق عقل وی است

همچو او بی قیمتست و لاشیست (۴۳۱۹/۶)

۷-۳-۱- زن

مولوی خواب زن را خواب انسان ناقص عقل می داند شاید به دلیل احساسی بودن یا ضعف جسمانی او

خواب زن کمتر ز خواب مرد دان

زپی نقصان عقل و ضعف جان (۴۳۲۰/۶)

خواب ناقص عقل و گول آید کساد

پس ز بی عقلی چه باشد خواب باد (۴۳۲۱/۶)

۸-۳-۱- خواب خواص و عوام

خواب عامست این و خود خواب خاص

باشد اصل اجتبا و اختصاص (۳۰۶۷/۴)

برای عارفان، تعبیر خواب و رؤیا، وسیله‌ای است برای شناخت نفس، بطوری که بر این باورند که « من عرفه نفسه، فقد عرف ربه». برای صوفیان، نقش معرفت شناختی خواب و رؤیا، غیر قابل جایگزین است. (چیکتی، ۱۳۸۸: ۲)
زمینه‌های عرفانی اندیشه مولانا در مثنوی دیده می‌شود، تأثیر او از خواب و عالم رؤیا و ارشاد او توسط پیک حق، نمونه‌هایی از اندیشه عرفانی اوست.

۱-۴-۱- حق

سر نهاد و خواب بردش خواب دید

کامدش از حق ندا جانش شنید (۲۱۰۵/۱)

۱-۴-۲- هاتف

گفتش اندر خواب هاتف کای کیا

بنده بودن هم بیاموز و بیا (۳۱۷۹/۵)

۱-۴-۳- پیر

در میان گریه خوابش درر بود

دید در خواب او که پیری رو نمود (۶۲/۱)

۱-۵- انواع خواب

۱-۵-۱- غیر ارادی و اجباری از جانب حق بر انسان عارض می‌شود:

آن زمان حق بر عمر خوابی گماشت

تا که خویش از خواب نتوانست داشت (۲۱۰۴/۱)

۱-۵-۲- خواب خوش

که همراه با آرامش است:

بازرستم من ز تشویش و عذاب

دوش خوش خفتم در آن بی خوف خواب (۳۳۸۴/۵)

۱-۵-۳- خواب گران

تا چو بجهند از چنین خواب این رده

شمع مرده باشد و ساقی شده (۳۶۷۴/۴)

۱-۵-۴- خواب خرگوشی

ترک خواب غفلت خرگوش کن

غره این شیر ای خر گوش کن (۱۱۵۶/۱)

۱-۵-۵- خواب تصنعی و ساختگی

خود را به خواب زدن

خویش را در خواب کن زین افتکار

سر ز زیر خواب در یقظت برآر(۴۴۶۳/۶)

۶-۵-۱- خواب‌های باطل

برخیال و خواب چندین ره کنی

نیست عقلت را تسوی روشنی(۴۳۱۳/۶)

۷-۵-۱- خواب حیوانی

چون شما بسته همین خواب و خورید

همچو ما باشید در ده می‌چرید(۳۷۱۱/۳)

۶- نتیجه گیری

انسان موجودی است که گاه نیازها و خواسته‌های دست نیافتنی این دنیایی خود را در خواب تصور می‌کند گاهی نیز انعکاس احساسات و عواطف خود را پس از خواب در عالم بیداری درک می‌کند که می‌توان آن را رؤیای صادق نامید. نگاه مولانا به مقوله خواب، گاهی عرفانی و گاه عمومی است شکل عمومی نگاه مولانا همان حالت طبیعی یا خواب حسی است که همه انسان‌ها با آن درگیرند. نگاه عرفانی او به خواب: در نهایت والاترین مرتبه خواب، یعنی بریدن از عالم حس و پیوستن به عالم ارواح است که به نوعی شکل نزدیک رابطه میان بنده و خداوند است. با بررسی واژه خواب مشخص شد که حوزه معنایی این واژه در مثنوی وسیع است. کاربرد این واژه در ارتباط با واژگان مترادف هم چون نوم و رقود و واژگان متضاد مثل بیداری و یقظه، مفاهیم گسترده‌ای را در خود جای داده است واژه خواب با مشتقات و مشابهات و متضادهای خود به ترتیب بسامد کاربرد، این‌گونه در مثنوی آمده است: خواب، خفته، خواب و شب، روز و خواب، نوم، خواب و بیدار، رقود، یقظه. بیشترین کاربرد خواب در معنا و مفهوم خواب حسی و حیوانی است، همچنان که واژه‌هایی مثل خورد و رنج و غم و اندوه را با خود همراه دارد. گاه در معنای مرگ و بی‌خبری و غفلت و مستی است. گاهی خواب بر خلاف معنای عرفی و عمومی خود که نشان از غفلت و بی‌خبری دارد در مثنوی به معنی آگاهی به کار رفته چنان‌که مولوی "بی‌خوابان" را انسان‌های بیدار دل و آگاه می‌داند. برخی خواب‌ها با توجه به مفهوم، به عنوان تمثیل به کار رفته‌اند. هم چنین خواب‌ها پیام‌آور و حاوی یک یا چند نشانه برای صاحبان خود هستند که باز همین صاحبان خواب، خود از گروه‌های مختلف مردم هستند و بسته به نوع شخصیت آن‌ها محتوا و پیام نهفته در خواب، هم متفاوت است.

منابع

- اسعد، محمدرضا، بررسی تطبیقی خواب و رؤیا در اندیشه‌های قرآنی و - مثنوی مولانا، ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۲۹-۵۸، ۱۳۸۸.
- ایزوتسو، توشیهیکو: مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ دوم، تهران، فرزان روز، ۱۳۸۸.
- بیرانوند، سرین، کاظم خانلو، ناصر، منطقی، هانیه، خواب و رویا در مثنوی مولانا از منظر روان شناسی و عرفان، کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، ۱۳۹۴.
- پارسا، سید احمد، واهیم، گل اندام، انواع خواب و رویا در مثنوی، فصلنامه علمی- پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهرا س، سال اول شماره ۱، صص ۳۳-۵۷، ۱۳۸۸.
- چیکتی، امبرتو، توصیف و تبیین خواب و رویا در متون صوفیه با تأکید بر مثنوی، پایان‌نامه دکترای تخصصی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۸.
- حلبی، علی اصغر، علیاری، شمسی، بررسی ارتباط خواب و مرگ عارفانه در مثنوی، عرفان اسلامی(ادبیان و عرفان)، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۳۷-۶۲، ۱۳۹۱.
- درستکار، الهام، تحلیل روان‌شناختی خواب و رویا در مثنوی و تطبیق آن با مکتب سوررئالیسم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، ۱۳۸۹.
- زمانی، کریم، شرح جامع مثنوی، دفتر اول، چاپ هشتم، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۹.
- _____، دفتر دوم، چاپ نهم، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۱.
- _____، دفتر سوم، چاپ هفتم، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۲.
- _____، دفتر چهارم، چاپ هشتم، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۹.

- _____، دفتر پنجم، چاپ چهارم، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۹.
- _____، دفتر ششم، چاپ سوم، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۹.
- فروزانفر، بدیع الزمان، احادیث و قصص مثنوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- گرجی، مصطفی: بررسی تطبیقی نگاه مولوی و متفکران ملل دیگر به درد و رنج های بشری به مناسبت هشتصدمین سال تولد وی، تهران، جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- محسنی، محمدباقر و مرندی، لیلا، تجلی خواب عارفان در مثنوی مولانا، فصلنامه تخصصی عرفان سال پنجم شماره ۱۷۳، ۱۹، صص-، ۱۳۸۸.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.